

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۹۶

پژوهشی در روایات اقتصادی حکومت امام زمان علیه السلام

مجتبی رضایی آدریانی^۱

چکیده

حکومت امام زمان علیه السلام، با توجه به وسعت و نیز جهان بینی حاکم بر آن، پیامدهایی عمیق و تأثیرگذار در سطح جهانی و در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد خواهد داشت. یکی از این ابعاد، که دغدغه امروزی بسیاری از جوامع را تشکیل می دهد، نگاه و پیامدهای اقتصادی حکومت مهدوی است. در این مقاله تلاش شده با نگاهی توصیفی - تحلیلی، روایات مرتبط با این بعد از حکومت امام زمان علیه السلام، گردآوری و مورد بررسی سندی و دلالتی قرار گیرند. نتیجه حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که با توجه به وفور نعمت ها و برکت های آسمانی و زمینی از یکسو و رشد معنوی مردم و تغییر نگرش آنها به سبک زندگی از سوی دیگر، شاهد زندگی همراه با امنیت اقتصادی و قناعت و مناعت طبع، در سطح جهانی و در میان افراد و جوامع مختلف خواهیم بود.

واژگان کلیدی

روایات اقتصادی، دستاوردها، حکومت امام زمان علیه السلام، اقتصاد اسلامی.

۱. عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (m54r110@gmail.com).

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در طول تاریخ را معضل مسائلی اقتصادی تشکیل می‌دهد. از زمانی که جوامع، شکل گرفتند و انسان‌ها به زندگی اجتماعی روی آوردند، مجبور به انواع تعامل‌ها و داد و ستدها با یکدیگر شدند که یکی از آنها داد و ستدهای اقتصادی بود. نیاز افراد و جوامع به این‌گونه از دادوستدها از یکسو و روحیات سرکش و زیاده‌خواهانه بشر از سوی دیگر باعث شد تا توازن و تعادل در این‌گونه تعامل‌ها دچار خلل شود و کم‌کم انواع مفاسد اقتصادی از قبیل دزدی، کم‌فروشی، گران‌فروشی، ایجاد درآمدهای کاذب و ناپسند، و... گریبان‌گیر جوامع شوند و به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت‌هایی تبدیل شوند که خود، از دل همین مردم و افراد رنگارنگ آن شکل گرفته بودند! نتیجه آن‌که: حکومت‌ها نیز از این لغزش‌گاه در امان نماندند و معضل فساد اقتصادی، همچون سایر معضله‌ها، بسیار ریشه‌ای‌تر و پیچیده‌تر گردید و این بار و در این مرحله، از فرصت و حمایت برنامه‌ریزی کلان‌دولت‌ها و حکومت‌ها نیز بهره‌مند گردید تا آن‌جا که در روزگار ما، رسیدن به عدالت اقتصادی و جامعه سالم از مفاسد مالی، به آرزویی برای بشر تبدیل شده است که هیچ برنامه و دولت و سیستم دقیقی رایانه‌ای و امثال آن، یارای مقابله و ریشه‌کن کردن آن را ندارد و در هر جامعه‌ای گونه‌هایی از آن - با شدت و ضعف - مشهود هستند.

در چنین فضایی، اسلام یکی از ارکان حرکت خویش و اهداف چشم‌اندازش را جامعه سالم از هرگونه فساد اقتصادی، لااقل در سطح برنامه‌ریزی و کلان، قرار داده و وعده تحقق آن را در آینده روشن بشریت و روزگارهایی بشر از تارهای خود تنیده و رسیدن به حکومت مهدوی داده است. در مباحث آینده در پی آن هستیم تا با کنکاش در روایات ناظر به ابعاد اقتصادی حکومت امام زمان علیه السلام، نکاتی را که در این زمینه قابل استفاده است، حتی‌الامکان استخراج و استقصا نمائیم.

شیوه تحقیق

در بررسی و نگاه جامع داشتن نسبت به روایات پیرامون یک موضوع، از دو شیوه می‌توان بهره جست: الف. تخصص محور؛ ب. متن محور. در شیوه نخست، با توجه به اصطلاحات و قوانین حاکم بر دانش مرتبط با آن موضوع، تلاش می‌شود روایات موجود، تطبیق و تفسیر شود؛ بنابراین شخصی که صاحب آن تخصص است براساس قوانین حاکم و اصطلاحات رایج

در آن دانش به سراغ روایات رفته و تلاش دارد نگاهی تطبیقی میان آندو برقرار نماید ولی در شیوه دوم، تلاش بر آن است که مجموعه روایات موجود در یک موضوع یا محور، گردآوری و دسته بندی شوند و مفاد آنها مورد بررسی و واکاوی قرار گیرند. در این شیوه، فارغ از آن که متخصصان آن دانش چه می گویند و کلمات، چه بار معنایی ویژه ای دارند و در یک کلمه، جدای از زبان علم، روایات و دلالت آنها مورد کنکاش فقیهانه قرار می گیرند و استنتاج می شوند. در این مقاله از روش دوم استفاده شده است؛ به ویژه که دانش اقتصاد و اصطلاحات رایج در فضای امروزی این علم، نسبت به روایات موجود، بسیار متأخرتر و با فاصله زمانی بسیار زیاد شکل گرفته اند و نباید و نمی توان انتظار داشت که روایات را براساس چنین دانشی فهمید و تفسیر نمود. آن چه در این زمینه ما را به انتخاب شیوه دوم، بیشتر ترغیب نمود توجه به دو نکته مهم است:

۱. زیرساخت نادرست مادی گرایانه و انسان محور علوم رایج در دنیای امروز که یقیناً باعث برداشت و نگاه غلط به روایات می شود؛

۲. به صورت ویژه در علمی مثل علم اقتصاد که از هیچ واقعیتی برخوردار نیستند و ماهیت آنها را مسائل و قوانینی اعتباری و قراردادی تشکیل می دهند، چنین زاویه ای نمی تواند ملاک درست و انتخاب شایسته ای برای فهم روایات باشد. بلکه روایات را باید براساس قوانین و قواعدی که از خود آنها قابل استنباط و استخراج است فهمید و تفسیر نمود. با توجه به آن چه گذشت، شیوه انتخابی در این مقاله، شیوه متن محور است.

نکته دیگری که در شیوه تحقیق باید در نظر داشت این که هرچند روایات فراوانی در زمینه اقتصاد اسلامی از اهل بیت علیهم السلام در دست است و همچنین گزارش هایی از برخوردهای اقتصادی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است ولی این مقاله تنها به روایات مرتبط به دوران حاکمیت امام زمان علیه السلام می پردازد چراکه: از یکسو بررسی تمامی روایات موجود، نیازمند صرف وقت فراوان و کنکاش های فقیهانه گسترده ای است که از عهده یک مقاله خارج است و موضوع یک یا چند پایان نامه خواهد بود. از سوی دیگر بررسی و نقد این مجموعه عظیم،

محتاج استخراج و تدوین نظام جامع اقتصادی اسلام است که از عهده یک نفر خارج است و کاری گروهی و گسترده را می طلبد که فعلاً از توان نگارنده محترم مقاله، خارج است؛ بنابراین و به اقتضای موضوع همایش، به بررسی روایات ناظر به حکومت امام زمان علیه السلام بسنده می شود.

آن چه این مقاله در پی آن است بررسی فقیهانه روایات موجود با موضوع اقتصاد دوران

حاکمیت امام زمان علیه السلام است و این که از این روایات، چه نکاتی قابل استفاده و برداشت است. مطالب موجود در روایات آخرالزمانی و ناظر به بُعد اقتصادی حکومت امام زمان علیه السلام را در سه عنوان کلی «رسالت»، «سیاست» و «پیامد» می‌توان دسته‌بندی و بررسی نمود، به این ترتیب:

۱. رسالت اقتصادی امام زمان علیه السلام؛

۲. سیاست‌های اقتصادی امام زمان علیه السلام؛

۳. پیامدهای سیاست‌های اقتصادی امام زمان علیه السلام.

در ادامه به طرح و بررسی هریک از عناوین فوق در روایات آخرالزمانی می‌پردازیم:

رسالت اقتصادی امام زمان علیه السلام

مهم‌ترین رسالت امام زمان علیه السلام بر پایه روایات فروان موجود، برپایی عدالت و ریشه‌کنی ظلم و ستم است. براساس برپایی و حاکمیت عدالت است که تمامی اهداف دین و آرزوهای بشر دست‌یافتنی و برآورده خواهد شد. اگر خداوند متعال صحبت از عبادت غیرمشرکانه^۱ به میان می‌آورد، این غایت، تنها در فرض استخلاف آنها امکان دارد که نتیجه‌ای جز حاکمیت جهانی عدالت ندارد. همچنین اگر عاقبت و پایان کار از آن اهل تقوا است،^۲ نزدیک‌ترین چیز به تقوا، غیر از عدالت نیست^۳ و اگر کتاب و میزان نازل می‌شود، غایتی جز عدالت محوری ندارد.^۴ بدیهی است که عدالت مد نظر در روایات، معنایی گسترده دارد و مصادیق فراوانی را شامل می‌شود که یکی از آنها عدالت اقتصادی است. هرچند عدالت اقتصادی، شعار تمامی دولت‌ها و حکومت‌هاست ولی با توجه به دو مشکل خلأها و چاله‌های قانونی - ناشی از نفوذ فساد در سامانه قانون‌گذاری - از یکسو و انگیزه‌های شیطانی موجود در تمامی انسان‌ها از سوی دیگر، این شعار، هیچ‌گاه محقق نخواهد شد و بشر در آرزوی رسیدن به جامعه‌ای مبتنی بر عدالت اقتصادی، ایام را به سر خواهد برد تا زمانی که حکومتی برپا شود که از یکسو در رأس آن رهبری معصوم و آسمانی وجود داشته باشد و از سوی دیگر، تمامی راه‌ها برای نفوذ فساد در سامانه

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵).

۲. «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص: ۸۳).

۳. «... إَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى...» (مانده: ۸).

۴. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵).

قانون‌گذاری بسته باشد. از همین رو است که عدالت اقتصادی به عنوان یکی از شاخصه‌های حکومت امام زمان علیه السلام نام برده شده است و در دعا‌های مرتبط با آن حضرت، یکی از درخواست‌ها از خداوند متعال را تحقق این آرمان بشری در قالب تشکیل حکومت مهدوی تشکیل می‌دهد:

امنن به علی فقراء المسلمين و أراملهم و مساكينهم؛^۱
اشبع به الخماص الساغية و أرح به الأبدان اللاغية المتعبة؛^۲
أغن به عائلنا و اقض به عن مغرنا و اجبر به فقرا؛^۳
فلا يترك عبدا مسلما الا اشتراه و أعتقه و لا غارما الا قضى دينه و لا مظلمة لاحد من الناس الا ردها و لا يقتل منهم عبد الا أدى ثمنه دية مسلمة إلى أهلها و لا يقتل قتيل الا قضى عنه دينه و ألحق عياله في العطاء.^۴

۱. دعاء الموقف لعلى بن الحسين عليه السلام «اللهم انت الله رب العالمين و انت الله الرحمان الرحيم... اللهم صل على محمد و على آل محمد و اصلح لنا اماننا و استصلحه و اصلح على يديه و آمن خوفه و خوفنا عليه و اجعله اللهم الذى تنتصر به لدينك اللهم املأ الارض به عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا و امنن به على فقراء المسلمين و اراملهم و مساكينهم و اجعلنى من خيار مواليه و شيعة...» (طوسى، ۱۴۱۱ق (ب): ۶۸۹-۶۹۸، ح: ۴۰؛ ابن طاووس، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۱۰۲-۱۱۱؛ ابن مشهدى، ۱۴۱۹ق: ۴۴۴-۴۵۷).

۲. و امر [الامام العسكرى عليه السلام] اهل قم بذلك لما شكوا من موسى بن بغى «الحمد لله شكرا لنعمائه و استدعاء المزيده و استخلاصا له [و استجلابا لرزقه] و به دون غيره و عيادا به من كفرانه و الحادا فى عظمته و كبريائه... اللهم و اظهر الحق و اصبح به فى غسق الظلم و بهم الحيرة اللهم و احى به القلوب الميتة و اجمع به الالهواء المتفرقة و الآراء المختلفة و اقم به الحدود المعطلة و الاحكام المهملة و اشبع به الخماص الساغية و ارح به الابدان اللاغية المتعبة...» (طوسى، ۱۴۱۱ق (ب): ۱۵۶ به بعد).

۳. فمن ذلك الدعاء الذى ذكره محمد بن ابى قره باسناده فقال حدثنى ابوالغنائم محمد بن محمد بن عبد الله الحسنى قال اخبرنا ابو عمرو محمد بن محمد بن نصر السكونى: سألت ابا بكر احمد بن محمد بن عثمان البغدادي ان يخرج الى ادعية شهر رمضان التى كان عمه ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعيد العمري يدعو بها فأخرج الى دفترنا مجلدا باحمر فنسخت منه ادعية كثيرة و كان من جملتها: و تدعو بهذا الدعاء فى كل ليلة من شهر رمضان فان الدعاء فى هذا الشهر تسمعه الملائكة و تستغفر لصاحبه و هو «اللهم انى افتتح الثناء بحمدك... اللهم المم به شعنتنا و اشعب به صدعنا و ارتق به فتقنا و كثر به قلتنا و اعز به ذلتنا و اغن به عائلنا و اقض به عن مغرنا و اجبر به فقرا و سد به خلتنا و يسر به عسرنا و بيض به وجوهنا و فك به اسرنا و انجح به طلبتنا و انجز به مواعيدنا و استجب به دعوتنا و اعطنا به فوق رغبتنا...» (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۳۸؛ طوسى، ۱۳۶۴ش: ج ۳، ۱۰۸ به بعد؛ طوسى، ۱۴۱۱ق (ب): ۵۷۷ به بعد، ح ۶۶).

۴. عن جابر الجعفى عن ابى جعفر: ... قال امير المؤمنين «و يقتل يومئذ السفينانى و من معه حتى لا يترك منهم مخبر و الخائب يومئذ من خال من غنيمة كلب ثم يقبل الى الكوفة فيكون منزله بها فلا يترك عبدا مسلما الا اشتراه و اعتقه و لا غارما الا قضى دينه و لا مظلمة لاحد من الناس الا ردها و لا يقتل منهم عبد الا أدى ثمنه دية مسلمة الى أهلها و لا يقتل قتيل الا قضى عنه دينه و الحق عياله فى العطاء حتى يملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا و عدوانا و يسكنه هو و اهل بيته الرحبة...» (عباشى، بى تا: ج ۱، ۶۴-۶۶، ح ۱۱۷).

براساس روایات یاد شده، هدف گذاری اقتصادی امام زمان علیه السلام را در عناوین ذیل می‌توان دسته‌بندی نمود:

- ریشه‌کن‌سازی فقر: «امنن به علی فقراء المسلمین و اراملهم و مساکینهم» «اجبر به فقرنا» «اشبع به الخماص اللاغية»؛

- بی‌نیاز سازی خانواده‌ها: «اغن به عائلنا» «لا یقتل قتیل الا قضی عنه دینه و الحق عیاله فی العطاء»؛

- پرداخت بدهی‌ها: «اقض به عن مغرنا» «و لا غارما الا قضی دینه و لا مظلمة لأحد من الناس الا ردّها... و لا یقتل قتیل الا قضی عنه دینه».

روشن است که تحقق عدالت اقتصادی بر مبنای دو اصل یاد شده (رهبر معصوم؛ جلوگیری از نفوذ) به دو نتیجه عمده: فقرزدایی و رفاه عمومی خواهد انجامید که در یک کلمه می‌توان از آن با عبارت «امنیت اقتصادی» یاد کرد؛ بنابراین مهم‌ترین رسالت اقتصادی حکومت امام زمان علیه السلام، حاکمیت عدالت اقتصادی است که نتیجه‌ای جز برقراری امنیت اقتصادی نخواهد داشت.

در ادامه به بررسی برخی از سیاست‌های اجرایی امام زمان علیه السلام برای رسیدن به چنین هدفی بر پایه روایات موجود می‌پردازیم:

سیاست‌های اقتصادی امام زمان علیه السلام

پیش از آن که وارد بحث از سیاست‌های اقتصادی امام زمان علیه السلام بشویم باید توجه داشت درباره شرائط اقتصادی حاکم بر عصر امام زمان علیه السلام، نمی‌توان با اطمینان سخن گفت؛ چراکه فضای اقتصاد و کسب و کار از منظر بشر امروزی، یک تعریف و نظام دارد و از منظر دین اسلام، تعریف و نظامی دیگر. در فضای اقتصادی معاصر، هرچند فضای کسب و کار، پاسخگوی نیازهای مالی و مادی افراد است ولی از سوی دیگر با نگاه مادی زده به انسان حرکت می‌کند و انسان را در جریان زندگی زمینی تعریف و تفسیر و زمین‌گیر می‌نماید. از این رو چنین نظامی هیچ‌گاه نمی‌تواند مطلوب دین باشد و دین، با چنین نظام اقتصادی، میانه‌ای ندارد. نظامی که «ربح المؤمن علی المؤمن ربا» دارد،^۱ نظامی که بر قرض الحسنه استوار است، نظامی که

۱. جالب آن‌که در برخی روایات، این قانون به دوران ظهور امام زمان علیه السلام پیوند خورده است: «محمد بن علی بن الحسین یأسناده عن أبي الحسین محمد بن جعفر الأُسَدي عن موسى بن عمران النخعي عن عمه الحسین بن یزید

ثروت اندوز و بانک محور نیست، نظامی که برای ایجاد امنیت روانی نسبت به آینده نگاه‌ها را معطوف به خداوند می‌داند نه میزان پس‌انداز و...، نظامی که قائل به «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارج: ۲۴-۲۵) است، و...؛ چنین نظامی در دنیای اقتصادی امروز، هیچ تعریف و توجیهی ندارد و نظام اقتصادی امروزی بشر نیز در آن، هیچ جایگاهی ندارد. آن چه مسلم است این که می‌بایست نظام اقتصادی حاکم بر آن دوران را با رجوع به مبانی اقتصادی اسلام شناخت و استخراج نمود که خارج از عهده و موضوع این مقاله است و مجال بسیار واسع را می‌طلبد. در این جا به همین اشاره بسنده کرده به یادآوری نکته‌ای دیگر می‌پردازیم:

برخلاف جهان بینی حاکم بر دنیای امروز که تمامی ابعاد زندگی بشر امروزی (سیاسی - اقتصادی - فرهنگی - ...) را دربر گرفته و مبتنی بر جنبه مادی انسان است؛ جهان بینی اسلامی، مبتنی بر روح انسان است؛ هرچند نیم نگاهی به جنبه‌های مادی او نیز دارد. وقتی در مکتبی، اصالت به روح داده شد، یقیناً تمامی برنامه‌ها و اهداف، در جهت رشد و تعالی آن طرح و اجرا خواهند شد. ناگفته پیداست که رفتار انسان در فرض اصالت روح با رفتار وی در فرض اصالت ماده، تفاوت ماهوی دارد که نمونه‌هایی از این عمق تفاوت را در مکاتب روح‌گرای غیر الهی می‌توان مشاهده نمود. جایگاه ماده در معابد ورزشی - روحانی چینیان، و ریاضت‌های مرتاضان هندی کاملاً گویای این امر است. نظام اقتصادی اسلام نیز مستثنی از این قانون نیست، هرچند نگاه مادی در این مکتب بسیار قوی‌تر از مکاتب یاد شده است؛ بنابراین به جرأت می‌توان گفت نظام اقتصادی مادی محور دنیای امروز، هیچ جایگاهی در حکومت روح‌گرای امام زمان علیه السلام ندارد و آن جهان بینی، نظام اقتصادی کاملاً متفاوتی را می‌طلبد. اگر کسی ادعا نماید در آن نظام، هیچیک از پیشرفت‌های مادی امروزین بشر که مبتنی بر انسان زمینی، شکل گرفته‌اند جایی نخواهند داشت و نظامی اقتصادی و روح محور برای انسان آسمانی، جای آن را خواهد گرفت؛ سخن به گزافه نرانده است. تأملی در رفتار مادی رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام و تغافل آنها از پرداختن به ایجاد بستر مناسب برای پیشرفت مادی، هم‌چنان که تأکید فراوان بر جنبه‌های معنوی دارند و تمام وقت

النوفلي عن علي بن سالم عن أبيه - في حديث: سألت أبا عبد الله عن الخبر الذي روي أن ربح المؤمن على المؤمن ربا ما هو؟ فقال: ذلك إذا ظهر الحق وقام قائمنا أهل البيت فأما اليوم فلا بأس بأن تبع من الأخ المؤمن و تربع عليه» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۷، ۳۹۷).

خود را مصروف این جنبه در خود و دیگران می‌نمودند، گویای وجود چنین تفاوت ماهوی میان نگاه اقتصادی اسلامی و مادی است. این تفاوت، آنقدر مشهود و عمیق است که مثلاً در نظام اقتصادی اسلام، رشد و برکت اقتصادی، کاملاً مرهون جنبه‌های معنوی و فرامادی است. پیوند برکت با تقوا «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» (اعراف: ۹۶) و روزی، با به پا داشتن قوانین الهی «وَلَوْ أَنَّ هُم أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَوَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ...» (مائده: ۶۶) و وسعت روزی، با اکرام یتیم و اطعام مسکین «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانِيَ * كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ * وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (فجر: ۱۶-۱۸) و وفور نعمت، با استغفار «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبِينْ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح: ۱۰-۱۲) و هلاک و نابودی امتها با اتراف «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء: ۱۶) نمونه‌هایی از این جهان بینی و نظام اقتصادی در آیات قرآن است. نظامی که در نگاه مادی‌گرای امروزین هیچ جایگاه و توجیه علمی ندارد و در هیچ کتاب و نوشتاری نمی‌توان آن را رصد نمود؛ بلکه اصول حاکم بر آن کاملاً مخالف با نگاه دینی است «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا...» (بقره: ۲۷۵) «... أَنْطَعِمُ مَن لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ...» (یس: ۴۷) «أَن لَّا يَدْخُلَتْهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ» (قلم: ۲۴) «إِنَّمَا أُوتِيْتَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص: ۷۸) «... وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا» (کهف: ۳۶) نمونه‌ای از ارکان نظام اقتصادی مادی و انسان محور است.

در مجموع، از این منظر نیز ترسیم نظام و فضای اقتصادی حاکم بر دوران امام زمان علیه السلام، خارج از تصور و ادراک مادی زده امروزین ماست. اکنون با در نظر داشتن دو نکته یاد شده به سراغ روایات اقتصادی موجود رفته به بررسی سیاست‌های اقتصادی امام زمان علیه السلام می‌پردازیم:

هر هدفی برای دست‌یابی، نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق و کارآمد است. رسالت اقتصادی امام زمان علیه السلام نیز از این قانون عام مستثنی نیست؛ بنابراین آن حضرت برای پیشبرد امور خویش و رسیدن به هدف و تحقق رسالت خویش، نیازمند برنامه و سیاست‌گذاری اقتصادی است. سیاست‌های اقتصادی امام زمان علیه السلام بر پایه آن چه در روایات آمده است در دو ساحت، قابل دسته‌بندی و بررسی است: سیاست‌های عمومی؛ سیاست‌های شخصی.

منظور از سیاست‌های عمومی، سیاست‌هایی است که برای اجرا در جامعه و میان عموم مردم، تدوین می‌گردد و منظور از سیاست‌های شخصی، برنامه‌هایی است که امام زمان علیه السلام، برای زندگی شخصی خویش در نظر گرفته است و زندگی اقتصادی خویش را بر پایه آن اداره می‌نماید. در ادامه به بررسی هر یک از دو عنوان یاد شده می‌پردازیم:

الف) سیاست‌های عمومی

براساس روایات موجود، سیاست‌های اقتصادی امام زمان علیه السلام در بخش عمومی خویش به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. سیاست‌های مربوط به دریافت و توزیع؛
۲. مبارزه با فساد.

۱. سیاست‌های مربوط به دریافت و توزیع

در نظام اقتصادی اسلام، حکومت تولیدکننده نیست بلکه نقش مدیریتی دارد و اداره‌کننده توزیع متناسب ثروت در سطح جامعه به شمار می‌آید. دقت در زندگانی سیاسی رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به خوبی گویای این امر است. هردو معصوم هیچ‌گاه به عنوان زعامت و رهبری مسلمانان، وارد چرخه تولید و کارهای اقتصادی نشدند و هر کاری هم صورت دادند اولاً به عنوان یک شهروند و ثانیاً با استفاده از امکانات شخصی بود. از دیگر سو در نظام مالی اسلام و به منظور رشد طبیعی جامعه و جلوگیری از شکاف طبقاتی و دوقطبی شمال و جنوب، اموالی از ثروتمندان و توانمندان گرفته می‌شود که حکومت موظف است عین آن را به نیازمندان برساند. از سوی سوم و با توجه به عدم دخالت حکومت در تولید از یک طرف و وجود احتیاجات عمومی از طرف دیگر، لااقل تأمین مالی گوشه‌ای از طرح‌های عمرانی نیز بر عهده بخش دیگری از تولیدگران نهاده شده است که حکومت با گردآوری و مدیریت آنها، اجرای طرح‌های عمرانی را به عهده می‌گیرد؛ بنابراین باز این مردم هستند که تولیدکننده به شمار می‌آیند و حکومت نیز مدیریت هزینه کرد آنها را بر عهده دارد.

۴۷ یک نکته اساسی در این میان، نگاه اسلام به بخش تولید است. یکی از اساسی‌ترین تفاوت‌های ماهوی میان نگاه اسلام و سایر مکاتب به تولید، به غایت آن باز می‌گردد. اسلام، تولید را برای توزیع می‌پسندد. تأکید اسلام بر اموری همچون وقف، صدقات مستحب، انفاق و کفارات مالی، در کنار فرهنگ‌سازی عمومی، گویای این امر است که تولید، هرچند در اسلام،

مرغوب و مطلوب است ولی به خاطر آن که ثروت پدید آمده، در سطح عموم، توزیع شود و توازن اقتصادی جامعه، حفظ گردد. روشن است که تمامی افراد جامعه یا فکراً اقتصادی ندارند یا توان کار ندارند یا فاقد سرمایه لازم هستند که در سایه سیاست تولید برای توزیع، هم توازن جامعه حفظ می‌شود و هم در سایه تعاون عمومی، رشد و بالندگی جامعه، تضمین خواهد شد. ماجرای فدک و درآمد بالای آن یا برخورد امیرالمؤمنین با درآمد فوق حد تصور عین ابی‌نیزر که گوشه‌ای از موقوفات ایشان را تشکیل می‌داد، گویای کامل این سیاست بی‌بدیل اسلامی است. برخلاف مکاتب مادی‌گرا و انسان‌محور امروزی که تولید را برای تولید می‌خواهند. انسان مادی‌گرا براساس غریزه حب مال^۱ از یکسو ثروت‌اندوزی برای او یک اصل به شمار می‌آید تا آن‌جا که او را از مقصد، غافل می‌سازد^۲ و گرفتار دام حرص می‌گردد. در مکاتب غیر الهی، پول است که پول می‌آورد و تولید در خدمت تولید قرار می‌گیرد تا بازارهای بیشتری به دست آید و ثروت انبوه‌تری فراهم گردد بدون آن که هزینه‌کرد درستی داشته باشد. مصیبت آن‌گاه فزونی می‌یابد که اقتصاد، آلت دست سیاست می‌شود و تولید، به ابزاری کارآمد برای نفوذ و سلطه حکومت‌ها بر سایر مناطق تبدیل می‌گردد.

در هر حال سیاست دریافت و توزیع دینی، کاملاً در رفتار اقتصادی امام زمان علیه‌السلام از زبان روایات موجود، مشهود است. هیچ نشانی از دخالت حکومت حضرت در تولید و فعالیت‌های اقتصادی در روایات، مشاهده نمی‌شود. بلکه حضرت، نقش مدیریتی در دریافت و هزینه‌کرد اموال عمومی را داراست.

دریافت

نسبت به دریافت، براساس روایات موجود به دو نکته می‌توان اشاره داشت: یکی منابع مالی حکومت مهدوی؛ و دیگری خزانه‌ی آباد امام زمان علیه‌السلام در پرتو رشد منابع مالی.

منابع مالی

طبق آن‌چه در روایات آمده است، امام زمان از دو منبع مالی گسترده برخوردار است: درآمدهای مردمی؛ برکات آسمانی و زمینی

درآمدهای مردمی

در دو روایت از امام باقر علیه‌السلام به رونق خزانه امام زمان علیه‌السلام، تصریح شده است:

۱. «وَتُجْتَبُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (فجر: ۲۰).

۲. «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» (همزه: ۲).

۳. «الْهَآكِمُ التَّكَآثُرُ» (تکآثر: ۱).

يُخْرِجُ النَّاسَ خَرَاجَهُمْ عَلَى رِقَابِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ؛^۱
تَجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مَا فِي بَطْنِ الْأَرْضِ وَظَهْرِهَا.^۲

روایت نخست که ناظر به نظام پرداخت مالیاتی است فاقد سند است و روایت دوم که می‌توان آن را ناظر به در اختیار امام زمان علیه السلام قرار گرفتن خزانه‌های دنیا دانست، از سندی قابل تصحیح برخوردار است. روایتی مرسل از امیرالمؤمنین علیه السلام در منابع اهل تسنن هم برداشت صورت گرفته از متن آن را تقویت می‌نماید:

تَنْقُلُ إِلَيْهِ الْخَزَائِنَ.^۳

نکته قابل توجه، ادبیات به کار رفته در روایات است. این ادبیات می‌تواند ناظر به فضای صدور و جو حاکم بر آن دوران باشد، همان گونه که می‌تواند حتی ناظر به دوران حاکمیت امام زمان علیه السلام و نظام اقتصادی حاکم بر آن دوران باشد. به دیگر بیان: می‌توان دو نوع سامانه گردآوری مالیات در دوران حکومت امام زمان علیه السلام تصور نمود. یکی خزانه‌داری مرکزی که تمامی درآمدها به آن واریز و از آن توزیع گردد و دیگری خزانه‌داری‌های منطقه‌ای که تنها تحت نظارت یک سامانه مرکزی به دریافت و اختصاص منابع مالیاتی اقدام می‌کنند. بنابر تحفظ بر ظاهر روایات، احتمال دوم (خزانه‌داری مرکزی) قوی‌تر و مستندتر است. از دیگر سوا لازمه

۱. عن عبدالاعلی الحلبي: قال ابو جعفر: يكون لصاحب هذا الامر غيبة في بعض هذا الشعب... قال ابو جعفر: يقاتلون والله حتى يوحد الله ولا يشرك به شيئا وحتى تخرج العجوز الضعيفة من المشرق تريد المغرب ولا ينهاها احد و يخرج الله من الارض بذرها و ينزل من السماء قطرها و يخرج الناس خراجهم على رقابهم الى المهدي... (عياشي، بی تا: ج ۲، ۵۶ به بعد، ح ۴۹؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۷، ح ۳۰؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۰۵؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۸، ۳۱۳، ح ۴۸۷)

۲. حدثنا ابي قال حدثنا سعد بن عبدالله عن الحسن بن علي الكوفي عن عبدالله بن المغيرة عن سفیان بن عبدالمؤمن الانصاري عن عمرو بن شمر عن جابر: اقبل رجل الى ابي جعفر و انا حاضر فقال: رحمك الله، اقبض هذه الخمسمائة درهم فضعها في موضعها فانها زكاة مالي. فقال له ابو جعفر: بل خذها انت فضعها في جيرانك و الايتام و المساكين و في اخوانك من المسلمين انما يكون هذا اذا قام قائمنا فانه يقسم بالسوية... و بين اهل الفرقان بالفرقان و تجمع اليه اموال الدنيا كلها ما في بطن الارض و ظهرها فيقول للناس «تعالوا الي ما قطعتم فيه الارجام و سفكتم فيه الدماء و ركبتهم فيه محارم الله» فيعطى شيئا لم يعط احد كان قبله. (صدوق، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ۱۶۱، ح ۳؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ج ۲۴۲-۲۴۳، ح ۲۶)

۳. حدثنا عبدالله بن مروان عن الهيثم بن عبدالرحمن قال حدثني من سمع عليا يقول: اذا بعث السفيناني الى المهدي جيشا فخسف بهم بالبدياء و بلغ ذلك اهل الشام قالوا لخليفتهم قد خرج المهدي فبايعه و ادخل في طاعته و الا قتلناك. فيرسل اليه بالبيعة و يسير المهدي حتى ينزل بيت المقدس و تنقل اليه الخزائن و تدخل العرب و العجم و اهل الحرب و الروم و غيرهم في طاعته من غير قتال حتى تبني المساجد بالقسطنطينية و ما دونها... (مروزي، ۱۴۱۴ق: ۲۱۶)

خزانه داری مرکزی، وجود پول مشترک در تمامی زمین است که یا در قالب واحد پولی جدید یا بازگشت به طلا و نقره قابل تصور است.

برکات آسمانی و زمینی

در روایات فراوانی به ظهور برکات آسمانی و زمینی در دوران حکومت امام زمان علیه السلام تصریح شده است که بررسی آنها مجال دیگری را می‌طلبد. نمونه‌ای از برکت الهی در قرآن کریم را می‌توان در این آیه مشاهده نمود «... كَمْثَلِ حَبَّةِ خَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱) اگر در دوران حاکمیت امام زمان علیه السلام با برکت‌هایی از این دست و در چنین مقیاسی روبرو باشیم، جامعه جهانی، شاهد وفور نعمت و رشد اقتصادی فوق حدّ تصویری خواهد بود که در نگاه ابتدایی، بیشتر حالتی رؤیایی و افسانه‌ای را تداعی می‌کند.

ناگفته پیداست که ظهور این چنینی برکات آسمان و زمین، نقش مستقیم و غیرمستقیم، در رونق خزانه امام زمان علیه السلام خواهد داشت؛ چراکه از یکسو ارزش افزوده در زمینه انفال و عرصه‌های عمومی را در پی خواهد داشت که خود، باعث رشد درآمدی حکومت خواهد شد و از سوی دیگر با رونق یافتن زندگی سطح بیشتری از جامعه، هم نیازها به بیت‌المال رو به کاستی می‌گذارد و هم درآمد بیت‌المال، آمار رو به رشدی را شاهد خواهد بود. به عنوان نمونه به این عبارت‌ها می‌توان اشاره نمود.

امام باقر علیه السلام:

تجمع الیه اموال الدنيا کلها ما فی بطن الارض و ظهرها.

امام صادق علیه السلام:

تظهر الارض کنوزها حتی یراها الناس علی وجهها.^۱

خزانه آباد

امام زمان علیه السلام از یکسو طبق معمول، از خزانه‌ای برخوردار است که مأمور تحویل و توزیع

۱. روی المفضل بن عمر: سمعت ابا عبد الله يقول: ان قائمنا اذا قام اشرف الارض بنور ربها واستغنى الناس عن ضوء الشمس و ذهب الظلمة و يعمر الرجل فی ملکه حتى یولد له الف ذکر لایولد فیهم انثی و تظهر الارض کنوزها حتی یراها الناس علی وجهها و یطلب الرجل منکم من یصله بماله و يأخذ منه زکاته فلا یجد احدا یقبل منه ذلک استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله. (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق (الف): ۴۶۷-۴۶۸، ح ۴۸۴؛ طبرسی، ۱۴۱۳ق: ۴۵۴، ح ۳۷)

اموال عمومی است؛ همان گونه که در برخی روایات از عبارت «يقول للسادن» استفاده شده است که اشاره به خزانه دار حضرت دارد؛ و از سوی دیگر همان گونه که پیش از این نیز ذکر شد، خزانه امام زمان با رونق و آمار رو به رشد روبروست. در روایات متعددی به فراوانی اموال در این دوران تصریح شده است که خزانه آباد حکومت را نوید می دهد:

رسول الله ﷺ [اهل تسنن]:

المال كدس (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۹۳-۹۴، ح ۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق (الف): ۱۳۵، ح ۹۹)؛
 المال كدوس (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۷۹، ح ۴۰۵؛ ۳۲۴، ح ۴۶۸)؛^۱
 يكثر المال و يفيض (قشیری، بی تا: ج ۳، ۸۴).^۲

امام باقر علیه السلام:

يوسع الله على شيعتنا.^۳

در گزارش های متعدد شیعه و اهل تسنن هم عبارات گویای رونق خزانه امام به چشم می خورد:

امام باقر علیه السلام:

يعطى شيئا لم يعط احد كان قبله.

رسول الله ﷺ [اهل تسنن]:

يفيض المال فيضا؛^۴

يحثي المال حثيا لا يعده عدا؛^۵

۱. و نیز رک: ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۱۳۶۶-۱۳۶۷، ح ۴۰۸۳؛ مروزی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۳؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۲۱-۲۲؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۵۸؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۲۰۱، بستوی، ۱۴۲۰ق (الف): ۱۷۹.
۲. مشابه آن در بخاری (۱۴۰۱ق: ج ۲، ۱۱۳)؛ ابن راهویه (۱۴۱۲ق: ج ۱، ۳۹۸، ح ۴۳۶)؛ ابن حنبل (بی تا: ج ۲، ۵۳۰)؛ ابویعلی (بی تا: ج ۱، ۵۳۰)؛ ابن حبان (۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۷۳-۷۴).
۳. عن عبدالاعلی الحلبي: قال ابو جعفر: يكون لصاحب هذا الامر غيبة في بعض هذه الشعاب... قال ابو جعفر: يقاتلون والله حتى يوحد الله ولا يشرك به شيئا و حتى تخرج العجوز الضعيفة من المشرق ترید المغرب ولا ينهها احد و يخرج الله من الارض بذرها و ينزل من السماء قطرها و يخرج الناس خراجهم على رقابهم الى المهدي و يوسع الله على شيعتها و لولا ما يدركهم من السعادة لبغوا... (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۵۶ به بعد، ح ۴۹؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۷، ح ۳۰؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۰۵؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۸، ۳۱۳، ح ۴۸۷).
۴. عن عبدالرحمان بن عوف: قال رسول الله: ليعثن الله من عترتي رجلا افرق الثنايا اجلى الجبهة يملأ الارض عدلا يفيض المال فيضا (اربلی، ۱۴۰۵ق: ۲۶۹-۲۷۰؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۴۲۳-۴۲۴).
۵. عن ابي نصره: كنا عند جابر بن عبد الله فقال: يوشك اهل العراق ان لا يجبي اليهم قفيز ولا درهم. قلنا: من اين

يقسم المال ولايعده^۱؛

يحيى له في ثوبه ما استطاع ان يحمله^۲.

البته در روایات، نشانی از دخالت حضرت، به عنوان یک شهروند در تولید ثروت، یافت نشد. این می تواند به جهت عدم احتیاج به چنین مسئله ای یا مستند به مشغله بالای حضرت، با توجه به اقتضات حکومت جهانی ایشان باشد.

روشن است که چنین خزانه آباد و اموال فراوانی محصول گذر زمان و به بار نشستن نکاتی است که پیش از این بیان شد وگرنه امام زمان علیه السلام در ابتدای قیام و ظهور از نظر اقتصادی، با مشکل روبروست و نیازمند مساعدت و یاری سرمایه داران دین دار است:

إذا قام يحرم على كل ذي كنز كنزه حتى يأتيه به يستعين به على عدوه^۳؛

انما يكون هذا اذا قام قائمنا فانه يقسم بالسوية و يعدل في خلق الرحمان^۴؛

فيحمل اليه ما عنده فما يبق من ذلك يستعين به على امره^۵؛

ذلك؟ قال: من قبل العجم يمعنون ذاك. ثم قال: يوشك اهل الشام ان لا يجيبى اليهم دينار ولا مدي. قلنا: من اين ذلك؟ قال: من قبل الروم. ثم سكت هنيهة ثم قال: قال رسول الله: يكون في آخر الزمان خليفة يحيى المال حثيا لا يعده عدا. قلت لابي نصره و ابي العلاء: أترى ان انه عمر بن عبد العزيز؟ فقالا: لا. (قشيري، بی تا: ج ۸، ۱۸۴-۱۸۵؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۱۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق: ج ۲، ۲۱۲-۲۱۳؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ ق: ج ۱۵، ۷۵) .
۱. عن ابي سعيد و جابر بن عبدالله: قال رسول الله: يكون في آخر الزمان خليفة يقسم المال ولا يعده. (قشيري، بی تا: ج ۸، ۱۸۵؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۴۸-۴۹؛ ابویعلی، بی تا: ج ۲، ۴۷۰)

۲. عن ابي سعيد الخدري: خشينا ان يكون فينا حدث فسالنا رسول الله فقال: يخرج المهدي في امتي خمسا او سبعا او تسعا. زيد الشك قال: قلت: ائ شيئ؟ قال: سنين. ثم قال: يرسل السماء عليهم مدرارا و لاتدخر الارض من نباتها شيئا و يكون المال كدوسا يجيئ الرجل اليه فيقول يا مهدي اعطني اعطني فيحسني له في ثوبه ما استطاع ان يحمله. (ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۲۱-۲۲؛ ترمذی، ۱۴۰۳ ق: ج ۳، ۳۴۳-۳۴۴؛ بستوی، ۱۴۲۰ ق: ج ۱، ۶۹)

۳. محمد بن يحيى عن احمد بن محمد عن محمد بن سنان عن معاذ بن كثير: سمعت ابا عبدالله: موشع على شيعتنا ان ينفقوا مما في ايديهم بالمعروف فاذا قام قائمنا حرم على كل ذي كنز كنزه حتى يأتيه به فيستعين به على عدوه و هو قول الله عزوجل «و الذين يكتنون الذهب و الفضة و لا ينفقونها في سبيل الله فيبشرهم بعذاب اليم» (كلبيني، ۱۳۸۸ ق: ج ۴، ۶۱، ۴؛ طوسی، ۱۳۶۴ ش: ج ۴، ۱۴۳-۱۴۴، ۲۴؛ عیاشی، بی تا: ج ۲، ۸۷).

۴. حدثنا ابي قال حدثنا سعد بن عبدالله عن الحسن بن علي الكوفي عن عبدالله بن المغيرة عن سفيان بن عبدالمؤمن الانصاري عن عمرو بن شمر عن جابر: أقبل رجل الى ابي جعفر و انا حاضر فقال: رحمك الله اقبض هذه الاخمسة درهم فضعتها في موضعها فانها زكاة مالي. فقال له ابو جعفر: بل خذها انت فضعتها في جيرانك و الايتام و المساكين و في اخوانك المسلمين؛ انما يكون هذا اذا قام قائمنا... (صدوق، ۱۳۸۵ ق: ج ۱، ۱۶۱، ۳؛ نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۲۴۳؛ مغربی، ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ۳۹۷).

۵. عن الحسين بن علوان عن ذكره عن ابي عبدالله: المؤمن كان عنده من ذلك شيئ ينفقه على عياله ما شاء ثم اذا قام القائم فيحمل اليه ما عنده فما بقي من ذلك يستعين به على امره فقد ادى ما يجب عليه (عیاشی، بی تا: ج ۲،

اسحق بن عمار: كنت عند ابي عبد الله فذكر مواساة الرجل لأخوانه وما يجب لهم عليه فدخلني من ذلك امر عظيم عرف ذلك في وجهي فقال: «أما ذلك إذا قام القائم، وجب عليهم ان يجهزوا اخوانهم وان يقوهم» (صدوق، ۱۴۰۲ق: ۳۶، ح ۳).

توزیع

براساس روایات، امام زمان علیه السلام از سه اصل راهبردی در بخش اداره توزیع ثروت عمومی بهره می برد که هر یک از آنها دارای ریشه های عمیق در سیره و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز سایر اهل بیت علیهم السلام است که بررسی آنها مجال بسیار وسیع را می طلبد. در مجموع، این سه اصل راهبردی عبارتند از:

الف) نگاه محوری به توزیع؛

ب) مساوات نه جایگاه؛

ج) توزیع کریمانه.

۱. نگاه محوری به توزیع

پیش از این توضیح داده شد که در بخش تولید، سیاست اسلام بر نگاه به توزیع ثروت است. این نگاه بر حکومت اسلامی نیز حاکم است. حکومت اسلامی و حاکم مسلمان، حق ندارد اموال عمومی را در اختیار گرفته و بنی امیه گونه از پرداخت آن به مردم به هر بهانه ای جلوگیری کند. سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز همین گونه بود و سیره امام زمان علیه السلام نیز بر مبنای روایات موجود همین است. در روایات موجود، از عباراتی همچون «يعطى» «يحثو» «يحثى» «يقول للسادن» درباره بیان رفتار حضرت، بارها استفاده شده است که گویای محوری بودن توزیع از منظر حکومت امام زمان علیه السلام است و حکومت، اموال عمومی را نه برای خود نگه می دارد و نه در آنها دخل و تصرفی، حتی با نگاه تولیدی، می نماید.

۲. مساوات نه جایگاه

امام زمان علیه السلام، بیت المال را میان مردم تقسیم می کند

رسول الله صلی الله علیه و آله [اهل تسنن]:

يقسم بينهم فيهم.^۱

۸۷-۸۸، ح ۵۵).

۱. عن قتادة عن صالح ابي الخليل عن ام سلمة عن رسول الله: سيكون اختلاف عند موت خليفة فيخرج رجل المدينة هاربا الى مكة فيأتيه ناس من اهل مكة فيخرجونه و هو كاره فيبايعونه بين الركن والمقام و يبعث اليه بعث من اهل الشام فيخسف بهم بالبيداء فاذا سمع بذلك الناس اتاه ابدال اهل الشام و عصائب اهل العراق فيبايعونه ثم

براساس روایات متعدد، یکی از اصول راهبردی توزیع اموال عمومی در حکومت امام زمان علیه السلام، توزیع به مساوات است نه براساس جایگاه و منصب و عناوین افراد و شخصیت‌ها. در روایات متعددی، که قریب به اتفاق آنها مربوط به اهل تسنن است، عبارت‌هایی همچون «یقسم المال بالسویه»^۱ و «یقسم المال صحاحا»^۲ به کار رفته است که به روشنی گویای تقسیم مساوی اموال میان مردم است.

هرچند عموم این روایات، مربوط به اهل تسنن است ولی نوع رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز برخی از خطبه‌های ایشان، صراحت در مراعات اصل مساوات در پرداخت‌های عمومی دارد.^۳ مساوات در بیت‌المال لااقل یک پیامد عمده با عنوان «خشنودی عمومی» دارد. تقسیم یکسان بیت‌المال میان تمامی افراد جامعه (بدنه و خواص) رضایت‌همگانی را در پی خواهد داشت. در برخی روایات هم عبارت «یرضی عنه ساکن السماء و الارض»^۴ به چشم می‌خورد که

ینشأ رجل من قریب احواله من کلب فیبعث الیهم بعثا فیظهر علیهم ویغنمون غنیمة و الخیبة لمن لم یشهد غنیمة کلب فیقسم بینهم فیئثمهم و یقیم فیهم سنة نبیهم و یلقى الاسلام بجرانه الی الارض فیلبث سبع سنین (ابن راهویه، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۷۰-۱۷۱؛ ابویعلی، بی تا: ج ۱۲، ۳۶۹-۳۷۰، ح ۶۹۴؛ ابن حبان، ۱۴۰۴ق: ج ۱۵، ۱۵۸-۱۵۹؛ لجستانی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۱۰-۳۱۱، ح ۴۲۸۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۹۲-۲۹۳؛ احمد، بی تا: ج ۶، ۳۱۶؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۳۵؛ صنعانی، بی تا: ج ۱۱، ۳۷۱؛ مروزی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۲؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۱۵؛ بستوی، ۱۴۲۰ق (ب): ۳۳۲-۳۳۳).

۱. عن عبدالله بن مسعود: قال النبی: لو لم یبق من الدنیا الا لیلۃ لطول الله تلك اللیة حتی یملک هذه الامة رجل من اهل بیتی یواطئ اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی یملاًها قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما یقسم المال بالسویة... (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۹۷، ح ۴۱۸؛ اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۷۴).

۲. عن ابی سعید الخدری: قال رسول الله: ابشركم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیملأ الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا یرضی به ساکن السماء یقسم المال صحاحا. قلنا: و ما الصحاح؟ قال: بالسویة بین الناس فیملأ الله قلوب امة محمد غنی و یسعهم عدله... (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۳۲۲-۳۲۳، ح ۴۶۵؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۷۱-۴۷۲، ح ۶۷؛ اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۷۰؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۷ و ۵۲؛ بستوی، ۱۴۲۰ق (ب): ۷۳).

۳. این روایت از امام صادق علیه السلام نیز جای دقت دارد:

محمد بن الحسن بإسناده عن الصفار عن علی بن محمد القاسانی عن القاسم بن محمد عن سلیمان بن داود المنقری عن حفص بن غیاث: سمعت أبا عبد الله یقول و سئل عن قسم بیت‌المال فقال: أهل الاسلام هم أبناء الاسلام أسوی بینهم فی العطاء و فضائلهم بینهم و بین الله اجعلهم کبني رجل واحد لا یفضل أحد منهم لفضله و صلاحه فی المیراث علی آخر ضعیف منقوص. قال: و هذا هو فعل رسول الله فی بدو امره و قد قال غیرنا أقدمهم فی العطاء بما قد فضلهم الله بسوابقهم فی الاسلام إذا کان بالاسلام قد أصابوا ذلك فأنزلهم علی موارث ذوي الأرحام بعضهم أقرب من بعض و أوفر نصیبا لقربه من المیت و إنما ورثوا برحمهم و كذلك کان عمر یفعله. (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۱۰۶)

۴. به عنوان نمونه: محمد بن إسحاق المقریبی عن المقانعی عن بکار بن أحمد عن الحسن بن الحسين عن المعلى بن زیاد عن العلاء بن بشیر المرادی عن أبی الصدیق الناجی عن أبی سعید الخدری: قال رسول الله: ابشركم بالمهدی

می تواند به این نکته اشاره داشته باشد. خشنودی عمومی، منشأ خیراتی خواهد بود که رونق بیشتر خزانه امام زمان علیه السلام، و بالاتر رفتن میزان اعتماد عمومی به سیاست های اقتصادی حضرت، از آن جمله است؛ بنابراین رضایت برآمده از مساوات، نقش مستقیمی در استحکام پایه های حکومت دارد. باید در نظر داشت که این مساوات، تنها در محدوده مصرف بیت المال است و منافاتی با تفاوت درآمد اشخاص از منظرهای دیگر ندارد. چنان چه بخشی از درآمد زکات، به کارگزاران آن می رسد و نیمی از درآمد خمس، ملک سادات است.

پرسشی که در این جا پیش می آید این است که سیاست اقتصادی حضرت در برابر موارد ویژه مثل مشکلاتی که در زندگی افراد رخ می دهد همچون بیماری های خاص یا حوادثی همانند آتش سوزی یا هزینه هایی نظیر مسکن چیست؟

در پاسخ باید گفت: هرچند در روایات، مطلب صریحی در این زمینه یافت نشد ولی از یکسو طبق برخی روایات، نشانی از بیماری های خاص در روزگار حاکمیت امام زمان علیه السلام نیست و از سوی دیگر با توجه به فراوانی و ارزانی اموال و پرداخت های مالی قابل توجه حکومت - که پس از این نیز اشاره هایی به آن خواهد شد - این موارد بار مالی چندانی بر خانواده ها نخواهد داشت و از سوی سوم با تأکید اسلام بر روحیه تکافل و همگرایی و همپوشانی اجتماعی، باز از بار مالی ماجرا کاسته خواهد شد. روشن است که حکومت نیز خود را در برابر این موارد، موظف و مکلف می داند. در روایتی لاقول مرسل، به این نکته تصریح شده است.

رسول الله صلی الله علیه و آله:

فیقول یا مهدی اعطنی فیقول خذ.

مشابه آن در روایتی ضعیف السند از اهل تسنن. هم چنین در دو روایت دیگر از اهل تسنن این نکته به چشم می خورد:

یقسم المال بالسویة و یعید الله الغنی فی قلوب هذه الامة فیجئ الرجل فیسأله فیقول انطلقا به السادن یعنی الخازن فیحثوله فی حجره یقول حسبی ما وسع امة محمد فیرده فیقول لا حاجة لی فیه فیقال له انا لا نرجع فی شیئ امضیناه (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۹۷، ح ۴۱۸؛ اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۷۴)؛

فینادی مناد: من له الی من حاجة؟ فلا یجیبه احد من الناس الا انسان واحد فیقول له

یبعث فی أمتی علی اختلاف من الناس و زلزال یملاً الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض. (طوسی، ۱۴۱۱ق (الف): ۱۷۸، ح ۱۳۶)

خذ فيحثوفى ثوبه ما لا يستطيع حملهُ فيقول احمل علىّ فيأبى عليه فيخفف منه حتى يصير بقدر ما يستطيع ان يحمله فيقول ما كان فى الناس اجشع نفسا من هذا فيرجع الى الخازن فيقول انه قد بدا لى رده فيأبى ان يقبله فيقول انا لا نقبل من اعطيناه (طبرى، ۱۴۱۳ق: ۴۷۱-۴۷۲، ح ۶۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۳۲۲-۳۲۳، ح ۴۶۵).

نکته‌ای که نباید دور از نظر بماند این که طبق روایتی مهمل، امام زمان علیه السلام حق عدم رعایت مساوات را نیز دارد. امام صادق علیه السلام:

إذا رأيت القائم أعطى رجلاً مائة ألف وأعطى آخر درهما فلا يكبر في صدرك فان الامر مفوض اليه (صفا، ۱۴۰۴ق: ۴۰۶، ح ۱۰).

این نکته درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نقل شده است. امام باقر علیه السلام:

ان عليا كان فيما ولى بمنزلة سليمان بن داود قال الله تعالى امنن أو أمسك بغير حساب (همو: ۴۰۵، ح ۹).

گذشته از ایراد سندی، و با توجه به معصوم بودن حضرت، می‌توان گفت: هرچند کم و کیف تقسیم اموال بیت‌المال، موقوف به امام و صلاح‌دید ایشان است ولی در مقام عمل، حضرت از همان سیاست تقسیم مساوی، پیروی می‌نماید.

۳. توزیع کریمانه

از خصوصیت‌های انسان کریم، گشاده‌دستی و نگاه نکردن به میزان نیاز افراد است. گذاری در سیره اهل بیت علیهم السلام که براساس زیارت جامعه «عادتکم الإحسان و سجتکم الکرّم» - گواهی گویا بر نوع برخورد ایشان با اموالی که در اختیار داشتند و مردمی که به آنها رجوع می‌کردند می‌باشد. رفتار رسول الله صلی الله علیه و آله با اموال ام‌المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام به گونه‌ای که حتی یک کفن برای ایشان باقی نماند؛ رفتار صدیقه طاهره علیها السلام با فدک که هیچ‌گاه سطح زندگی ایشان را از یک خانه و خانواده عمومی، بالاتر نبرد؛ رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام با چاه‌ها و نخلستان‌هایی که با دست خود آباد کرده بود؛ رفتار امام مجتبی علیه السلام با مراجعه‌کنندگان به منزل ایشان و تقسیم چند باره اموال و دارائی‌ها؛ و... مجموعه‌ای غیرقابل خدشه و مضمونی متواتر از اخلاق کریمانه اهل بیت علیهم السلام را به نمایش می‌گذارد.

۱. حتی می‌توان به این روایت نیز اشاره داشت: «علي بن محمد بن عبدالله عن أبيه عن محمد بن عيسى عن داود النهدي عن علي بن جعفر عن أبي الحسن، قال لي: نحن في العلم والشجاعة سواء وفي العطايا على قدر ما نؤمر» (کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۱، ۲۷۵).

ممکن است اشکال شود تمامی این رفتارها نسبت به اموال شخصی است وگرنه اهل بیت علیهم السلام آن جا که پای اموال عمومی در میان است، هیچ‌گونه نرمش و بخششی نشان نمی‌هند. رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام با تصرف‌کنندگان در غنائم یمن در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتار ایشان با برادرش عقیل؛ گفتار ایشان درباره غارت‌گران بیت‌المال پس از انتخاب مردمی برای حکومت؛ و مواردی دیگر، مصادیق بارز واکنش سخت‌گیرانه در برابر بیت‌المال است.

در پاسخ می‌توان گفت: هرچند شدت و سخت‌گیری و احتیاط در اموال عمومی، هم سیره اهل بیت علیهم السلام است و هم سفارش ایشان، ولی این منافاتی با رعایت شأن کرامت درباره امام زمان علیه السلام ندارد. توضیح آن که: پیش از این بیان شد که خزانه امام زمان علیه السلام با وفور اموال و نقدینگی بالا روبروست و حاکم کریم، چنین خزانه پربرکت و پر درآمدی را از مردم دریغ نمی‌دارد و به پرداخت سهم معینی از بیت‌المال به هرکس اکتفا نمی‌کند. نگاه حاکم کریم به رفع نیازهای اولیه و ضروری مردم نیست و زندگی آبرومندانه و با برکت رعیتش، دغدغه اوست؛ بنابراین در عین مراعات بیت‌المال و اموال عمومی، شأن کرامت خود را نیز در نظر می‌گیرد: امام باقر علیه السلام در روایتی قابل تصحیح می‌فرماید:

يعطى شيئا لم يعط احد كان قبله.

همچنین براساس روایت مهمل دیگری از امام باقر علیه السلام، پرداخت مالی حضرت از بیت‌المال، بالاتر از توقع عمومی و نظام رایج است:

فيعطيك في السنة عطاءين و يرزقكم في الشهر رزقين.^۱

آن‌چه این برداشت را تقویت می‌نماید این که در برخی روایات - که پیش از این به آنها اشاره شد - مشاهده می‌شود امام از پس گرفتن اموال پرداخت شده امتناع می‌ورزد.

دقت

در روایات فراوانی به دست و دلبازی و گشاده‌دستی امام زمان علیه السلام تأکید شده است:

يأتيه الرجل فيحثوله؛

۱. «اخبرنا احمد بن هودة الباهلي قال حدثنا ابراهيم بن اسحاق النهاوندي قال حدثنا عبدالله بن حماد الانصاري عن عبدالله بن بكير عن حمران بن اعين عن ابي جعفر: كأنني بدینکم هذا لايزال متخصخصا يفحص بدمه ثم لايرده عليكم الا رجل منا اهل البيت فيعطيك في السنة عطاءين و يرزقكم في الشهر رزقين...» (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۵، ح: ۳۰).

فیحی له فی توبه ما استطاع ان یحمل؛

فیحثوفی حجره؛

خلیفه یحی المال حثیا لایعدّه عدا؛

یحثوالمال حثوا لایعدّه عدا؛

یکون عطاءه حثیا (ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۶۷۸، ح ۱۸۵)؛^۱

یعطی الحق بغیر عدد؛

یقسم المال و لایعدّه؛

یأتیه الرجل فیسأله فیقول له خذ فییسط الرجل توبه فیحی فیه ثم یجمع الیه اکنافها
فیأخذه ثم ینطلق.

ولی مشکل تمامی این روایات آن است که متعلق به منابع اهل تسنن هستند. قابل توجه‌تر آن که افرادی همچون بخاری و مسلم که رغبتی به نقل روایات مهدوی ندارند به نقل روایات یاد شده درباره ولخرجی‌های خلیفه آخرالزمان یا حضرت عیسی علیه السلام یا امیر مردم، تمایل و رغبتی تأمل برانگیز از خود نشان داده‌اند. این نکته در کنار خالی بودن منابع شیعی از این دست روایات، حقانیت چنین مضمون و محتوایی را با تردید جدّی روبرو می‌سازد. این چنین به نظر می‌رسد که ریخت و پاش‌های غیر قابل توجیه عثمان بن عفان و حزب اموی طرفدار وی نسبت به بیت‌المال از یکسو^۲ و نبود هیچ ملاک معقول و مشروعی برای تعیین سقف پرداختی‌ها و نیز استناد غیرمستقیم چنین رفتار ناشایستی به خلیفه دوم که از یکسو پشتیبان معاویه به شمار می‌آمد و از سوی دیگر مهم‌ترین عامل بر سر کار آمدن عثمان بود؛ جبهه فرهنگی اهل تسنن را وادار به واکنش منفعلانه نمود که یک بعد آن دستبرد به آینده و روایات مرتبط به روزگار‌رهایی بود. این جبهه با ساخت و ترویج چنین روایاتی تلاش دارد حتی با به پیش کشیدن سیره خلیفه آخرالزمان که قرار است زمین را پر از عدل و داد نماید و از ستم تهی گرداند، رفتار غیر اسلامی - غیر انسانی عثمان و طرفداران وی را عین حق و عدالت جلوه دهد؛ بنابراین به چنین روایاتی که بعضاً با همان وسائط اهل تسنن به منابع شیعی نیز رخنه نموده،

۱. و نیز رک: مروزی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۴؛ ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ۸۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۲۲، ۲۷۹؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴م: ج ۲، ۱۳۱؛ بستوی، ۱۴۲۰ق (ب): ۲۶۵.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام در بخشی از خطبه شقشقیه در این باره می‌فرماید: «الی ان قام ثالث القوم نافجا حزنیه بین نثیله و معتلفه و قام معه بنو ابیه یخضمون مال الله خضمة الابل نبتة الربیع الی ان اجهز علیه عمله و کبت به بطنته» (سیدرضی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۳۵).

باید با دیده اتهام نگریست.

۲. مبارزه با فساد

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی در هر زمینه‌ای، مبارزه با فساد است که بخش اقتصاد و نظام اقتصادی نیز مستثنی و مستغنی از آن نیست. تا زمانی که ریشه‌های فساد، خشکانده نشود؛ حرکت اقتصادی به نتیجه مطلوب خود نخواهد رسید. مبارزه با فساد، محتاج فعالیت در دو زمینه است: درگیری با مفسدان؛ و از بین بردن بسترها و انگیزه‌های فساد. در زمینه نخست، وجود دستورات شارع در قرآن و سنت اهل بیت، برای ترسیم نمایی از سیره و سنت امام زمان علیه السلام در این باره کافی به نظر می‌رسد؛ گذشته از آن که در برخی روایات، به یک نمونه عملی از برخورد امام زمان علیه السلام با مفسدان اقتصادی تصریح شده است. امام باقر علیه السلام:

قل لهم قال لكم أبوجعفر: كيف بكم لو قد قطعت أيديكم وأرجلكم وعلقت في الكعبة ثم يقال لكم نادوا نحن سارق الكعبة. فلما ذهب لأقوم قال: إنني لست أنا أفعل ذلك وإنما يفعلها رجل مني.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

قطع أیدی بنی شیبۃ السراق وعلقها علی الکعبۃ.^۲

درباره زمینه دوم هم نوع سیره اقتصادی امام زمان علیه السلام و جریان‌ات تدریجی و مستمر این سیره، کار را به جایی خواهد رساند که انگیزه‌های فساد، خود به خود و اندک اندک، از بین خواهد رفت. در اینباره در بخش پیامدهای سیاست‌های اقتصادی (عنوان: احساس بی‌نیازی) نیز مطالبی خواهد آمد.

ب) سیاست‌های شخصی

امام زمان علیه السلام در کنار سیاست‌گذاری‌های کلان و عمومی اقتصادی، یک سری سیره‌های

۱. اخبرنا علی بن الحسین قال حدثنا محمد بن یحیی العطار قال حدثنا محمد بن حسان الرازی عن محمد بن علی الصیرفی عن محمد بن سنان عن محمد بن علی الحلبي عن سدير الصيرفي عن رجل من اهل الجزيرة كان قد جعل على نفسه نذرا في جارية و جاء بها الى مكة فلقيت الحجة فاخبرتهم بخبرها و... (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۱-۲۴۲، ج ۲۵).

۲. عنه عن عبدالرحمان عن ابن ابي حمزة عن ابي بصير عن ابي عبدالله: القائم يهدم المسجد الحرام حتى يرده الى اساسه و مسجد الرسول الى اساسه و يرده البيت الى موضعه و اقامه على اساسه و قطع ایدی بنی شیبۃ السراق و علقها علی الکعبۃ (طوسی، ۱۴۱۱ق (ب): ۴۷۲، ج ۴۹۲).

اقتصادی مخصوص به خود نیز دارند که براساس روایات موجود، تفاوت ماهوی با سیاست‌گذاری‌های عام دارند. روایات در این زمینه به خوراک و پوشاک امام زمان علیه السلام و ویژه بودن آنها تصریح دارند.
امام صادق علیه السلام فرمود:

لبس ثياب علی و سار بسيرة علی؛^۱
لبس الخشن و أكل الجشب؛^۲
إذا قام قائمنا كان هذا اللباس.^۳

امام رضا علیه السلام فرمود:

ما لباسه الا الغليظ و لاطعامه الا الجشب.^۴

حتی بر پایه برخی روایات، این سیره عملی تمامی اهل بیت علیهم السلام در فرض رسیدن به منصب حاکمیت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام:

۱. عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد البرقي عن ابيه عن محمد بن يحيى الخزاز عن حماد بن عثمان: حضرت ابا عبدالله و قال له رجل: اصلحك الله ذكرت ان على بن ابي طالب كان يلبس الخشن يلبس القميص بارية درهم و ما اشبه ذلك و نرى عليك اللباس الجديد. فقال له: ان على بن ابي طالب كان يلبس ذلك في زمان لاينكر [عليه] و لو لبس مثل ذلك اليوم شهر به فخير لباس كل زمان لباس اهله غير ان قائمنا اهل البيت اذا قام لبس ثياب علي و سار بسيرة علي (كلميني، ۱۳۸۸ق: ج ۱، ۴۱۱، ح ۴).

۲. على بن ابراهيم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد بن عثمان عن المعلى بن خنيس: قلت لابي عبدالله يوما: فداك ذكرت آل فلان و ما هم فيه من النعيم فقلت لو كان هذا اليكم لعشنا معكم. فقال: هيهات يا معلى اما والله ان لو كان ذاك ما كان الا سياسة الليل و سياحة النهار و لبس الخشن و اكل الجشب فزوى ذلك عنا فهل رأيت ظلامه قط صيرها الله تعالى نعمة الا هذا؟ (همو، ج ۱، ۴۱۰، ح ۲).

۳. الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن الحسن بن علي الوشاء عن احمد بن عائد عن ابي خديجة عن معلى بن خنيس عن ابي عبدالله: ان عليا كان عندكم فأتى بنى ديوان و اشترى ثلاثة اثواب بدينار القميص الى فوق الكعب و الازار الى نصف الساق و الراء من بين يديه الى تدييه و من خلفه الى أليتيه ثم رفع يده الى السماء فلم يزل يحمد الله على ما كساه حتى دخل منزله ثم قال: هذا اللباس الذى ينبغى للمسلمين ان يلبسوه. قال ابو عبدالله: ولكن لايقدر ان يلبسوا هذا اليوم و لو فعلناه لقالوا لمجنون و لقالوا مرأئى! و الله تعالى يقول «وثيابك فطهر» قال و ثيابك ارفعها و لاتجرها و اذا قام قائمنا كان هذا اللباس (همو، ج ۶، ۴۵۵-۴۵۶، ح ۲).

۴. اخبرنا على بن الحسين قال حدثنا محمد بن يحيى العطار بقم قال حدثنا محمد بن حسان الرازى قال حدثنا محمد بن علي الكوفى عن معمر بن خلاد: ذكر القائم عند ابي الحسن الرضا فقال: انتم اليوم ارخى بالا منكم يومئذ. قالوا: و كيف؟ قال: لو قد خرج قائمنا لم يكن الا العلق و العرق و النوم على السروج و ما لباس القائم الا الغليظ و ما طعامه الا الجشب (نعماني، ۱۴۲۲ق: ۲۹۵-۲۹۶، ح ۵).

إن الله عزوجل فرض على أمة العدل أن يقدروا أنفسهم بضعة الناس كي لا يتبيخ بالفقير فقره.^۱

پرسش این جاست که: با توجه به رفاه عمومی فراگیر در زمان حاکمیت امام زمان علیه السلام که پس از این ذکر خواهد شد، زندگی سخت‌گیرانه و نه ساده آن حضرت، چه توجیهی دارد؟ در پاسخ می‌توان به یکی دو نکته اشاره داشت:

۱. این روایات، ناظر به دوران ابتدایی حاکمیت امام زمان علیه السلام است که حضرت هنوز به اهداف حکومت خویش نرسیده است و بخش فراوانی از مردم هم‌چنان با انواع مشکلات دست به گریبان هستند. دقت در متن کامل روایات ذکر شده مؤید خوبی برای این احتمال است.

۲. این روایات می‌تواند ناظر به تمامی دوران حاکمیت حضرت باشد اما با توجه به یکی از تحلیل‌های زیر:

- اصرار حضرت بر چنین رویه‌ای در زندگی، به خاطر نقش آن در حفظ صحت و تندرستی انسان و تناسب آن با سلامت جسمی و روانی اوست. برای تأیید این نکته باید در نظر داشت: از یکسو با تأکید اسلام بر حفظ سلامت جسمی و روانی و از سوی دیگر با زندگانی سخت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یا امیرالمؤمنین علیه السلام روبرو هستیم. روشن است که معصوم علیه السلام، بیش و پیش از هر شخص دیگری خود را موظف به حفظ سلامتی خود می‌داند؛ چراکه هم دستور شارع را بیش از دیگران درک می‌کند و هم به نقش سلامتی خود در پیشبرد اهداف امامت کاملاً آگاه است. چنین شخصیتی هیچ‌گاه به خاطر مراعات ضعفا و امثال آن، به خود ضرر نمی‌رساند. امام مأمور به جمع میان تکالیف مختلف است؛ بنابراین از یکسو به وظیفه امامت یا حاکمیت خود عمل می‌نماید و از سوی دیگر سلامت جسم و روان خویش را نیز مدّ نظر دارد و از آن غافل نمی‌شود؛ در غیر این صورت چنین امامی آن قدر ضعیف و نحیف خواهد شد که قدرت شمشیر به دست گرفتن را هم نخواهد داشت، چه برسد به این که بخواهد در سه جنگ خانمان برانداز، چنان بی‌بدیل و بی‌رقیب به مبارزه و جهاد بپردازد! این سیره دقیقاً مطابق دستور خداوند متعال است که می‌فرماید:

۱. علی بن محمد عن صالح بن ابی حماد؛ و عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد و غیرهما باسانید مختلفة فی احتجاج امیرالمؤمنین علی عاصم بن زیاد حین لبس العباء و ترک الملاء و شکاه اخوه الربیع بن زیاد الی امیرالمؤمنین... فقال عاصم: یا امیرالمؤمنین فعلی ما اقتصرت فی مطعمک علی الجشوبة و فی ملبسک علی الخشونة؟ فقال: ویحک ان الله عزوجل فرض علی ائمة العدل ان یقدروا انفسهم بضعة الناس کی لا یتبیخ بالفقیر فقره (کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۱، ۴۱۰-۴۱۱، ح ۳).

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾
(اسراء: ۲۹).

بنابراین نمی‌توان برخی رفتارهای ویژه اهل بیت علیهم‌السلام را که در مواقعی خاص صورت گرفته و دلیلی بر تکرار آنها در دست نیست، ملاک قرار داد و زندگانی اهل بیت علیهم‌السلام را با ایشان و از خودگذشتگی صددرصدی نگاه کرد.

درست است که جامعه با رفاه عمومی روبروست ولی هم‌چنان که پس از این خواهد آمد با قناعت و ساده‌زیستی هم بیگانه نیست. بر همین اساس این‌گونه زندگی امام زمان علیه‌السلام، با قناعت و ساده‌زیستی عمومی همسو است.

پیامدهای سیاست‌های اقتصادی حکومت مهدوی

پس از ذکر سیاست‌های اقتصادی امام زمان و نحوه اجرای آنها، نوبت به بررسی دستاوردها و پیامدهای آن می‌رسد. پیامدهای آن چه ذکر شد را به سادگی می‌توان حدس زد و در یک کلمه از آن با عنوان «امنیت اقتصادی و رفاه عمومی» یاد نمود؛ یعنی همان چیزی که رسالت اقتصادی امام زمان علیه‌السلام را تشکیل می‌داد. در همین راستا یادآوری یک نکته، ضروری می‌نماید: امیرالمؤمنین علیه‌السلام در طول حکومت کمتر از پنج ساله خویش با سه جنگ روبروست که در کنار تمامی عواقب و پیامدهای آنها، از نظر اقتصادی هم هزینه‌های کمرشکن این جنگ‌ها نیز بار مالی بسیار بالایی بر بیت‌المال امیرالمؤمنین علیه‌السلام تحمیل می‌نماید. اما امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کنار تلاش برای تأمین این هزینه‌ها با افتخار بیان می‌دارد که در حکومت ایشان مردم کوفه از نعمت آب آشامیدنی سالم و نان گندم برخوردارند.^۱ این حاکی از تأثیر حکومت دینی امام معصوم در رفاه اقتصادی مردم در هر شرائطی است. حال اگر این حکومت دینی، با امنیت سیاسی همراه شود امنیت اقتصادی و رفاه عمومی، از کمیت و کیفیتی غیرقابل تصور برخوردار خواهد بود. گذشته از این نتیجه‌گیری طبیعی و پیامد منطقی، در روایات نیز به دستاوردهایی اشاره شده است که کاملاً همان نتیجه منطقی را تأیید و تقویت می‌نمایند. این دستاوردها عبارتند از:

الف) ثروتمندی عمومی؛

۱. قال علی علیه‌السلام: «ما أصبح بالكوفة أحد إلا ناعما ان أدناهم منزلة لياكل البر و يجلس في الظل و يشرب من ماء الفرات» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ج ۱، ۳۶۸).

- ب) احساس بی‌نیازی؛
 ج) ارزانی اموال و خدمات رایگان؛
 د. تعطیلی برخی از ردیف‌های بودجه.

الف) ثروتمندی عمومی

در چند روایت به تمکن مالی عموم مردم در دوران حاکمیت امام زمان علیه السلام تصریح شده است:
 رسول الله صلی الله علیه و آله:

تعیش امتی فی زمانه عیشا لم تعشه قبل ذلک (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۶۷۸، ح ۱۸۴)؛
 یغتم الناس حتی لایحتاج احد احدا (طبرسی، ۱۴۱۳ق: ۴۷۱-۴۷۲، ح ۶۷)؛
 یبعثه الله غیانا للناس تنعم الامة (اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۷۰)؛
 تنعم امتی فی دنیاہ نعما لم تنعم مثله قط البرمتمهم و الفاجر؛^۱
 تنعم امتی فی ولایتہ نعمة لم تنعم بمثلها قط (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۳۲۴، ح ۴۶۸).^۲

هرچند تمامی این روایات، مربوط به منابع اهل تسنن است ولی مجموعه مطالبی که در بخش‌های پیشین گذشت، مضمون این روایات را تقویت و تثبیت می‌نمایند.

ب) احساس بی‌نیازی

روشن است که چنین تنعم و برخورداری کار را به جایی خواهد رساند که مردم کم‌کم به بی‌نیازی خواهند رسید تا آن‌جا که طبق روایات معتبر اهل تسنن:
 لیدعون الی المال فلا یقبله احد (قشیری، بی‌تا: ج ۱، ۹۴؛ ابن حنبل، بی‌تا: ج ۲، ۴۹۳-۴۹۴؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۲۲۷)؛
 فیض المال حتی لایقبله احد.

و در تعبیر دیگری که در روایتی با سند مهمل نقل شده است.

۱. عن ابی سعید الخدری عن النبی: یكون المهدي فی عمره ان قصر عمره ف سبع و الا فثمان و الا فتسع تنعم امتی فی دنیاہ نعما لم تنعم مثله قط البرمنهم و الفاجر ترسل السماء علیهم مدرارا و لاتدخر الارض شیئا من نباتها و المال کدوس یأتیه الرجل فیحثوله (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۷۹، ۴۰۵ و ۳۲۴، ح ۴۶۸؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۷۷-۴۷۸، ح ۷۲؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۶۷۸، ح ۱۸۴؛ ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲، ۱۳۶۶، ح ۴۰۸۳؛ مروزی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۳).
 ۲. همچنین ر.ک: طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳۱۱، ۵؛ بستوی، ۱۴۲۰ق (ب): ۴۴.

امام صادق علیه السلام:

استغنی الناس بما رزقهم الله من فضله (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۱، طوسی، ۱۴۱۱ق (ب): ۴۶۷-۴۶۸، ح ۴۸۴).

از دیگر سو و با توجه به این که اصل حرکت امام زمان علیه السلام را بُعد معنوی و روحانی آن تشکیل می‌دهد در سایه چنین حکومت و سیاستی، اندک اندک، مردم به رشد معنوی روی آورده و به مقتضای «الناس علی دین ملوکهم» و «الناس بملوکهم اشیبه منهم بأبائهم» سیر در آفاق و انفس به رویکرد عمومی جامعه تبدیل خواهد شد. از نتایج طبیعی چنین فضا و حیاتی، رویگردانی از زندگی این دنیایی است «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت: ۶۴). در برخی روایات ضعیف السند اهل تسنن هم به این نتیجه منطقی حکومت امام زمان علیه السلام تصریح شده است که بی‌نیازی، سراز قلب مردم در می‌آورد و مردم به احساس بی‌نیازی دست می‌یابند:

فیما للآله قلوب أمة محمد غنی؛

یعیده الله الغنی فی قلوب هذه الأمة (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۹۷، ح ۴۱۸؛ اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۷۴).

ممکن است توهم شود ریشه دواندن احساس بی‌نیازی به دل‌های مردم، چه ارتباطی با سیاست‌های اقتصادی امام زمان علیه السلام دارد؟ به دیگر بیان: چگونه می‌توان احساس بی‌نیازی مردم را از دستاوردهای حرکت اقتصادی امام زمان علیه السلام به شمار آورد؟

در پاسخ، یکی دو نکته را یادآور می‌شویم:

۱. در جامعه‌ای که در اثر استقرار حکومت حق و اجرای سیاست‌های صحیح آن، مردم به ثروتمندی عمومی دست یابند، با توجه به دست یافتن و رسیدن به امنیت اقتصادی، حرص و ولع و تلاش برای بیشتر داشتن و افزودن بر دارائی، ارزش و جایگاه خود را از دست می‌دهد و دیگر، معنایی نخواهد داشت. دقیقاً همانند فردی که در کنار رودخانه‌ای از آب شیرین و گوارا زندگی می‌کند. ذخیره‌سازی آب برای چنین فردی هیچ معنا و مفهومی ندارد. در بحث ما نیز با وجود فراوانی نعمت و ثروت، به صورت ناخودآگاه، احساس بی‌نیازی در قلب افراد حاکم می‌شود و از فضای زندگی برای کسب و کار - که معضل عموم جوامع روزگار ما را شکل می‌دهد - فاصله می‌گیرند.

۲. در روایاتی که به عنوان شاهد بحث ذکر شد، میان این تعبیر و مساوات در تقسیم، جمع

شده است:

يقسم المال صحاحا... فيملاً الله قلوب أمة محمد غني؛
يقسم المال بالسوية... يعيد الله الغنى في قلوب هذه الأمة.

این نکته نیز می‌تواند گویای ارتباط عمیق میان مطلبی باشد که ذیل شماره (۱) بیان شد. همچنین به کار رفتن عباراتی دو پهلو همانند «استغنى الناس» که می‌تواند هم اشاره به فراوانی نعمت و هم ناظر به استغنائی قلبی مردم باشد، مؤید تأثیر سیاست‌های اقتصادی امام زمان علیه السلام، در شکل‌گیری چنین باور قلبی است.

۳. نکته دیگری که نباید از آن غافل شد و نقش آن در احساس بی‌نیازی مردم، غیرقابل انکار است، برکت ویژه‌ای است که در اموال خزانه امام وجود دارد. طبق یک روایت مرسل از اهل تسنن، آن چه از امام زمان علیه السلام به مردم می‌رسد، گوارا است و برکت ویژه‌ای دارد:

رسول الله ﷺ [اهل تسنن]:

المهدى يكون عطاءه هنيئاً.^۱

چنین عائدی و درآمدی، طبیعتاً انسان را قانع و با مناعت طبع بالا بار می‌آورد و انگیزه‌های حرص و ولع را در انسان فروکش می‌سازد.

در تقویت و تقریب این نکته، فراموش‌مان نشود که یکی از محورهای قرآن در سوره‌های مگى، تأکید بر روزی حلال و حلیت روزی است. روشن است که انسانی که در مسیر هدایت قرار می‌گیرد، با روزی حلال است که می‌تواند حرکت در آن مسیر را ادامه دهد و به حکم «الطيبات للطيبين» میان روزی حلال و بقاء بر هدایت، تلازم وجود دارد. همین‌طور میان استفاده از اموال گوارا و با برکت امام زمان علیه السلام و احساس بی‌نیازی و قناعت و مناعت طبع، ارتباط منطقی و تلازم برقرار و حاکم است.

۴. همان‌گونه که پیش از این نیز ذکر شد، در سایه سیاست حاکم بر حکومت امام زمان علیه السلام، نگرش مردم، تغییر می‌کند و از نگاهی مادی‌گرا و ثروت‌اندوز و با دغدغه‌های این‌دنیایی به انسانی معناگرا و آخرت‌طلب و خدامحور تبدیل می‌شود. در چنین فضایی و با چنین تدبیری، انگیزه‌های اقتصادی، حرکتی نزولی و روبه‌کاهش را شاهد خواهند بود.

۱. عن ابی سعید الخدری: قال رسول الله ﷺ: «يكون عند انقطاع من الزمان و ظهور من الفتن رجل يقال له المهدى يكون عطاءه هنيئاً» (اربلى، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۷۱).

ج) ارزانی اموال و خدمات رایگان

از مضمون روایتی از اهل تسنن، می‌توان ارزانی اموال را در دوره حکومت امام زمان علیه السلام به دست آورد:

يكون الفرس بدرهمات.^۱

شایان ذکر است که وفور نعمت و نیز اقتدار سیاسی امام زمان علیه السلام نیز تأثیر مستقیمی در تثبیت و ارزانی قیمت‌ها دارند؛ بنابراین وجود روایات متعدد درباره فراوانی ثروت، پشتوانه محکمی برای همین شاهد روایی به شمار می‌آید. درباره خدمات رایگان هم در یک روایت، چنین می‌خوانیم. امام باقر علیه السلام:

على رأسها مکتل فيه برتأقی تلك الأرحاء فتطحنه بلاكراء.^۲

البته در برخی منابع حدیث دوم، به جای عبارت «بلا كراء» عبارت «بكر بلاء» مشاهده می‌شود (طوسی، ۱۴۱۱ق (الف): ۴۶۸-۴۶۹، ح ۴۸۵) که با بررسی متن دو روایت، عبارت «بلا كراء» درست‌تر به نظر می‌رسد.

همچنین در روایات، به رونق ساخت و سازهای خدماتی در این زمان اشاره شده است که خود، خبر از خزانه آباد امام زمان می‌دهد. در این زمینه می‌توان به ساخت مسجدی به هزار درب در نجف، حفر کانال آب از کربلا به سوی نجف و ساخت پل‌ها و آسیاب‌ها، تخریب و بازسازی مسجدالحرام و مسجدالنبی، و ساخت مساجدی در قسطنطنیه و اماکن دیگر اشاره داشت.

د) پایان قشر آسیب‌پذیر

با وفور نعمت و احساس بی‌نیازی مردم و ارزانی اموال، کم‌کم و به صورت طبیعی، بستر

۱. عن ابی امامة الباهلی: «خطبنا رسول الله ذات یوم خطبة فکان آخر خطبته: ... و تكون الارض کفأثور الفضة تنبت نباتها کما کانت علی عهد آدم یجتمع النفر علی القثاء فتشبعهم و یجتمع النفر علی الرمانه فتشبعهم و یكون الفرس بدرهمات» (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۹۸-۲۹۹، ح ۴۲۰؛ ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲، ۱۳۵۹، ح ۴۰۷۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۲۲۳-۲۲۶).

۲. فی روایة عمرو بن شمر عن ابی جعفر ذکر المهدی فقال: «یدخل الکوفة و بها ثلاث رايات قد اضطربت فتصغو له... ثم یأمر من یحفر من ظهر مشهد الحسین نهرا ینزل الی الغریبین حتی ینزل الماء فی النجف و یعمل علی فوهته القناتیر و الرحاء فکأنی بالعجوز علی رأسها مکتل فیہ برتأقی تلك الارحاء فتطحنه بلا کراء» (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۰).

برای برخی از مصادیق خیر، تنگ و تنگ‌تر می‌شود تا آن‌جا که حتی فرض تعطیلی برخی از خیرات، امری متصور و معقول خواهد بود. در دو روایت نه چندان معتبر از امام صادق علیه السلام به وقوع این مسئله متصور و معقول، تصریح شده است:

لیأتین علیکم وقت لایجد احدکم لدیناره و درهمه موضعا.^۱
و یطلب الرجل منکم من یصله بماله و يأخذ عنه زکاته فلا یجد احدا یقبل منه ذلک
(مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۱).

در تعدادی از روایات اهل تسنن نیز به این نکته تصریح شده است:

یأتیه الرجل فیحیی له فی حجره یهمه من یقبل منه صدقة ذلک المال بینه و بین اهله مما
یصیب الناس من الفرج؛
حتى یهم رب المال من یقبل صدقته و حتی یعرضه فیقول الذی یعرضه علیه لارب لی؛
یطوف الرجل فیہ بالصدقة من الذهب ثم لایجد احدا یأخذها منه؛
یطلب الرجل من یصله بماله و يأخذ منه زکاته فلا یجد احدا یقبل منه؛
یکون عیسی فی أمتی حکما عدلا و اماما مقسطا فیدق الصلیب و یقتل الخنزیر و یضع
الحزب و یتروک الصدقة و لایسعی علی شاة و لاتبقى بقرة.

حتی در برخی روایات از منابع معتبر اهل تسنن به تعطیلی برخی از خیرات، از سوی خلیفه
آخر الزمان تصریح شده است:

لا تقوم الساعة حتی یکثر فیکم المال فی فیض حتی یهم رب المال من یقبل صدقته و حتی
یعرضه فیقول الذی یعرضه علیه لارب لی (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ۱۱۳)؛
لیأتین علی الناس زمان یتطوف الرجل فیہ بالصدقة من الذهب ثم لایجد احدا یأخذها
منه (همو: ج ۲، ۱۱۴؛ قشیری، بی تا: ج ۳، ۸۴)؛
حتى یخرج الرجل بزکاة ماله فلا یجد احدا یقبلها منه (همو: ج ۳، ۸۴)؛
تصدقوا فانه یأتی علیکم زمان یمشی. الرجل بصدقته فلا یجد من یقبلها یقول الرجل لو

۱. محمد بن همام قال حدثنا احمد بن مابن داؤد قال حدثنا محمد بن مالک قال حدثنا محمد بن سنان عن الکاهلی عن
ابی عبدالله: تواصلوا و تباروا و تراحموا فوالذی فلق الحبة و برأ النسمة لیأتین علیکم وقت لایجد احدکم لدیناره و
درهمه موضعا. یعنی لایجد له عند ظهور القائم موضعا یصرفه فیہ لاستغناء الناس جمیعا بفضل الله و فضل ولیه
فقلت: و انی یکون ذلک؟ فقال: عند فقدکم امامکم فلا تزلون کذلک حتی یطلع علیکم کما تطلع الشمس آیس ما
تکونون فایاکم و الشک و الارتیاب و انفوا عن انفسکم الشکوک و قد حذرکم فاحذروا اسأل الله توفیقکم و ارشادکم
(نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۵۲-۱۵۳، ح ۸).

جئت بها بالامس لقبلتها فاما اليوم فلاحاجة لي بها (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ۱۱۳؛
قشیری، بی تا: ج ۳، ۸۴).

همان گونه در برخی از روایات تصریح شده بود، بستر صدقه واجب (زکات) در دوران حکومت امام زمان علیه السلام رو به جمع شدن می نهد. اطلاق برخی دیگر از روایات، می تواند این حکم را به صدقات مستحب نیز تعمیم داده آنها را نیز شامل شود.

نتیجه گیری

در این مقاله، روایات اقتصادی مربوط به حکومت امام زمان علیه السلام مورد بررسی قرار گرفت. مفاد این روایات، در سه بخش رسالت و سیاست و پیامد، دسته بندی گردید. در بخش رسالت، مهم ترین رسالت اقتصادی حضرت، برقراری امنیت اقتصادی ذکر شد و در بخش سیاست هم آن چه یافت شد در دو بخش سیاست عمومی و سیاست شخصی گنجانده شد. در بخش سیاست عمومی، عناوین مدیریت دریافت با دوزیر مجموعه منابع مالی که شامل درآمدهای مردمی و برکات آسمانی و زمینی بود و خزانه آباد ذکر گردید و وفور درآمدهای حکومتی و فراوانی اموال خزانه امام زمان علیه السلام نتیجه گرفته شد؛ و مدیریت توزیع، با سه زیر مجموعه نگاه محوری به توزیع، مساوات نه جایگاه، و توزیع کریمانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و براساس آن نگاه محوری حکومت امام زمان علیه السلام به توزیع و نه انباشت بیت المال و توزیع براساس مساوات و نیز کریمانه و زائد بر نیازهای ضروری افراد نتیجه گیری شد. دومین سیاست اقتصادی امام زمان علیه السلام هم مبارزه با فساد بود. در بخش سیاست شخصی، به زندگی اقتصادی خود حضرت پرداخته شد و معیشت ساده و سخت گیرانه حضرت، مورد اشاره و تحلیل قرار گرفت. در آخرین بخش مقاله هم پیامدهای سیاست های حضرت از روایات، استخراج گردید که عبارت بودند از ثروتمندی عمومی، احساس بی نیازی، ارزانی اموال و خدمات رایگان، و پایان قشر آسیب پذیر.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن ابی شیبہ، عبدالله، ۲۳۵ق، المصنف، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۰۹ق
- ابن حبان، ۳۵۴ق، صحیح، بی جا، مؤسسة الرسالة، دوم، ۱۴۱۴ق
- ابن حنبل، احمد، ۲۴۱ق، مسند، بیروت، دارصادر، بی تا
- ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم، ۲۳۸ق، مسند، مدینه منوره، مكتبة الايمان، اول، ۱۴۱۲ق
- ابن شهر آشوب، محمد، ۵۸۸ق، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف، المطبعة الحيدرية، ۱۳۷۶ق
- ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، ۶۶۴ق، اقبال الاعمال، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۱۴ق
- _____، التشریف بالمنز، اصفهان، نشر نشاط، اول، ۱۴۱۶ق
- ابن عدی، عبدالله، ۲۷۷ق، الكامل، بیروت، دارالفکر، سوم، ۱۴۰۹ق
- ابن عساکر، علی بن حسن، ۵۷۱ق، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق
- ابن ماجه، محمد بن یزید، ۲۷۵ق، سنن، بیروت، دارالفکر، بی تا
- ابن مشهدی، محمد، ۶۱۰ق، المزار، قم، نشر قیوم، اول، ۱۴۱۹ق
- ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ۴۳۰ق، ذکر اخبار اصبهان، لیدن، ۱۹۳۴م
- ابو یعلی، احمد بن علی، ۳۰۷ق، مسند، بیروت، دارالمأمون، بی تا
- اربلی، علی بن عیسی، ۶۹۳ق، کشف الغمه، بیروت، دارالاضواء، دوم، ۱۴۰۵ق
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۲۵۶ق، صحیح، استانبول، دارالفکر، ۱۴۰۱ق
- بستوی، عبدالعلیم، المهدي المنتظر، بیروت، دار ابن حزم، اول، ۱۴۲۰ق
- _____، موسوعة فی احادیث الامام المهدي، بیروت، دار ابن حزم، اول، ۱۴۲۰ق
- ترمذی، محمد بن عیسی، ۲۷۹ق، سنن، بیروت، دارالفکر، دوم، ۱۴۰۳ق
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۴۰۵ق، المستدرک، بیروت، دارالمعرفة، بی تا
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۱۰۴ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، دوم، ۱۴۱۴ق

- سجستانی، ابوداود، ۲۷۵ق، سنن، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۰ق
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، ۳۸۱ق، *علل الشرائع*، نجف اشرف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ق
- _____، *مصادقة الاخوان*، قم، لیتوگرافی کرمانی، ۱۴۰۲ق
- صفار، محمد بن حسن، ۲۹۰ق، *بصائر الدرجات*، تهران، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۴ق
- صنعانی، عبدالرزاق، ۲۱۱ق، *المصنف*، بی جا، بی نا، بی تا
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۳۶۰ق، *المعجم الاوسط*، بی جا، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق
- طبری، محمد بن جریر، ۵ق، *دلائل الامامه*، قم، مؤسسه بعثت، اول، ۱۴۱۳ق
- طوسی، محمد بن حسن، ۴۶۰ق، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۶۴ش
- _____، *الغیبه*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، اول، ۱۴۱۱ق
- _____، *مصباح المتعجد*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعہ، اول، ۱۴۱۱ق
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۳۲۰ق، *تفسیر*، تهران، المكتبة العلمیة الاسلامیه، بی تا
- قشیری، مسلم بن حجاج، ۲۶۱ق، *صحیح*، بیروت، دارالفکر، بی تا
- قمی، علی بن ابراهیم، ۳ق، *تفسیر*، سوم، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ق
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۳۲۸ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، سوم، ۱۳۸۸ق
- مروزی، نعیم بن حماد، ۲۸۸ق، *الفتن*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق
- مغربی، قاضی نعمان، ۳۶۳ق، *شرح الاخبار*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، دوم، ۱۴۱۴ق
- مفید، محمد بن محمد، ۳۳۶ق، *الارشاد*، بیروت، دارالمفید، دوم، ۱۴۱۴ق
- نعمانی، محمد بن ابی زینب، ۳۶۰ق، *الغیبه*، قم، مهر، اول، ۱۴۲۲ق
- هیثمی، علی، ۸۰۷ق، *مجمع الزوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق